

# ضمیر پنهان

(نفس نامکشوف)

پاسخگوی مسائلی کہ بحران جهان معاصر پدید آورده است

کارل گوستاو یونگ

مترجم

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

## فهرست

- اشاره ..... ۹
۱. وضع بغرنج فرد در جامعه‌ی نوین ..... ۱۱
۲. دین، تعادل بخش ذهنیت توده ..... ۲۵
۳. موقعیت غرب در برابر دین ..... ۳۵
۴. درک فرد از خویشتن ..... ۴۵
۵. رویکرد فلسفی و روان‌شناختی به زندگی ..... ۶۹
۶. خودشناسی ..... ۸۵
۷. معنی خودشناسی ..... ۹۹
- واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی ..... ۱۰۵
- واژه‌نامه‌ی انگلیسی - فارسی ..... ۱۱۳

## وضع بغرنج فرد در جامعه‌ی نوین

آینده چه به بار خواهد آورد؟ این پرسش از زمان‌های دور و دراز - هر چند نه همیشه به یک اندازه - ذهن انسان را مشغول کرده است. از نظر تاریخی، بیش‌تر در اعصارِ تنگناهای مادّی، سیاسی، اقتصادی و معنوی است که نگاه انسان با امیدی نگران‌کننده به آینده معطوف می‌شود و این هنگامی است که انتظارات، آرمان‌شهرها<sup>۱</sup> و بینش‌های مکاشفه‌وار<sup>۲</sup> چند برابر می‌شود. برای نمونه، می‌توان به انتظارات هزاره‌گرایی<sup>۳</sup> روزگار آگوستوس<sup>۴</sup> در آغاز عصر مسیحی، یا به دگرگونی‌های روحی غرب در پایان هزاره‌ی نخست اندیشید. امروز، همین که به پایان هزاره‌ی دوم نزدیک می‌شویم، از نو در عصری پُر از خیالات مکاشفه‌وارِ نابودی جهان به سر می‌بریم. معنی این شکاف که

---

1. Utopias

2. apocalyptic visions

۳. chiliastic، اعتقاد به هزار سال شهریاری و سیطره‌ی مسیح - م.

۴. Augustan Age، دوره‌ی سلطنت قیصر آگوستوس، عصر طلایی ادبیات لاتین - م.

نمادش «پرده‌ی آهنین»<sup>۱</sup> است و انسان‌ها را به دو نیمه بخش کرده، چیست؟ اگر بمب‌های هیدروژنی به کار گرفته شوند یا اگر تباهی معنوی و اخلاقی مطلق‌گرایی دولت در سراسر اروپا گسترش یابد، تمدن ما چه خواهد شد و چه بر سر انسان خواهد آمد؟

دلیلی نداریم که این تهدید را سرسری بگیریم و از آن بگذریم. همه‌جا در غرب، اقلیت‌های مخرب‌ی هستند که در پناه انسانیت‌گرایی<sup>۲</sup> و حس عدالت‌خواهی ما قرار دارند و در عین حال، مشعل‌هایی خانمان‌سوز در دست گرفته‌اند و هیچ چیز بازدارنده‌ی گسترش عقاید آنان نیست، مگر خرد انتقادی لایه‌ای منفرد از انبوه مردمی که نسبتاً هوشمندند و اندیشه‌ای استوار دارند. به هر حال، نباید گستردگی و ضخامت این لایه‌ی فکری را بیش از اندازه تخمین زد، چون با توجه به خُلق و خوی ملی، از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد. از نظر منطقه‌ای نیز به آموزش همگانی وابسته است و در معرض نفوذ عوامل آرام‌برهم‌زننده‌ی یک خصلت سیاسی و اقتصادی قرار دارد. اگر آرای عمومی را ملاک قرار دهیم، می‌توانیم بر پایه‌ی یک ارزیابی خوش‌بینانه، حداکثر در حدود ۴۰ درصد رأی‌دهندگان را در نظر بگیریم. دیدگاهی نسبتاً بدبینانه‌تر نیز ناموجه نخواهد بود، چون موهبت خرد و اندیشه‌ی انتقادی یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی انسان نیست و حتی هر جا که به خرد و اندیشه‌ی انتقادی برمی‌خوریم، آن را لغزان و ناپایدار می‌بینیم؛ هرچه بیش‌تر می‌گذرد، گروه‌های سیاسی بزرگ‌تری پدید می‌آیند. توده‌ها بصیرت و اندیشه‌ای را که هنوز در فرد امکان وجود

۱. Iron Curtain، منظور حصار است که شوروی سابق گرد کشور خود و بلوک شرق

کشیده بود - م.

می‌یابد، درهم می‌شکنند، و اگر دولت نهادینه یا قانون سالار<sup>۱</sup> ضعیف و تسلیم شود، این امر ناگزیر به سلطه‌ی مکتبی و اقتداری منجر می‌گردد. بحث خردگرایی را می‌توان تا حدی با موفقیت پیش برد و این تنها وقتی میسر است که حساسیت یک وضعیت مفروض، از اندازه‌ی حد خود فراتر نرود. اگر حرارت و احساسات از این حد بالاتر رود، دیگر امکان تأثیربخشی خرد و استدلال از بین می‌رود و جایش را شعارها، رؤیاها و خیالات واهی می‌گیرد. به عبارت دیگر، این نوعی تصرف جمعی است که از نظر روانی، به سرعت مُسری می‌شود. در این حالت، همه‌ی عناصری که وجودشان فقط به عنوان عناصری غیر اجتماعی تحت حاکمیت خرد قابل تحمل است، در رأس قرار می‌گیرند. چنین افرادی به هیچ وجه هوشمندان نادری نیستند که فقط در زندان‌ها و دارالمجانین بتوان آن‌ها را یافت. به گمان من، برای هر مورد آشکار دیوانگی، دست‌کم ده مورد ناآشکار وجود دارد که به ندرت به نقطه‌ی عنان‌گسیختگی آشکار دست می‌یابند، بلکه دیدگاه‌ها و رفتار آن‌ها - با وجود ظواهر عادی بودنشان - تحت تأثیر عواملی است که به طور ناخودآگاه فاسد و بازگونه است. البته به دلایلی، آمار پزشکی بسامد روان‌پریشی‌های پنهان<sup>۲</sup> در دست نیست. اما حتی اگر تعداد آن‌ها کم‌تر از ده برابر روان‌پریشی‌های آشکار<sup>۳</sup> و جنایات آشکار باشد، درصد نسبتاً کم رقم جمعیتی که آن‌ها نشان می‌دهند، بیش‌تر با خطر خاص همین مردم جبران می‌شود. حالت ذهنی آن‌ها مثل حالت گروهی است که به‌طور جمعی هیجان‌زده است و زیر سیطره‌ی داوری‌های احساساتی و آرزوها و خیال‌پردازی‌ها قرار دارد. آن‌ها در یک حالت